



## استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است



نشریه داخلی تهران نوزدهم آذر ماه ۱۳۸۹ خورشیدی شماره ۱۸۱

به نام خداوند جان و خرد

### اعلامیه جهانی حقوق بشر در جمهوری اسلامی فراموش شده است

احدی را نمیتوان خود سرانه توقیف، حبس و یا تبعید نمود. احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه و مکاتبات خود نباید مورد مداخلات خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

هر کس حق دارد که در داخل هر کشور آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند و یا به کشور خود باز گردد.

هر کس حق دارد که در برابر تعقیب، شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناهگاهی اختیار نماید.

هر کس منفردا و یا بطور اجتماعی حق مالکیت دارد. احدی را نمیتوان خودسرانه از حق مالکیت محروم کرد.

هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب و یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان میباشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس میتواند از این حقوق منفردا یا مجتمعا بطور خصوصی و یا بطور عمومی برخوردار باشد.

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

هر کس حق دارد که آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد.

هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیما و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.

اساس و منشاء قدرت حکومت اراده مردم است. این اراده باید بوسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی و یا طریقه ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تامین نماید.

هر کس بعنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد.

هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها نیز شرکت کند.

هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند گردد. آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد کمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی های بشری را تقویت کند.

در نیمه قرن بیستم و پس از پایان جنگ خانمانسوز دوم جهانی در تاریخ دهم دسامبر سال ۱۹۴۸ مطابق با ۱۹ آذر ماه ۱۳۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۳۰ ماده در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به اتفاق آراء به تصویب رسید. اندک زمانی پس از آنکه حکومت های فاشیستی با فروختن آتش جنگ، قاره اروپا و بخش های دیگری از کره خاک را به آتش و خون کشیدند و در شرایطی که بیداد حکومت استبدادی استالین در اتحاد جماهیر شوروی تسمه از گرده مردم نگون بخت آن سرزمین میکشید و در زمانیکه رژیم های دیکتاتوری در کشورهای توسعه نیافته آسیا و آفریقا هر گونه حقوق اولیه انسانی را برای شهروندان خود منکر بودند و با آنان چون بردگان در قرون وسطی برخورد میکردند، تصویب شدن این بیانیه چون نسیم فرح بخش آزادی گونه بشریت تحت ستم و تعرض رانوازش کرد و نوری تازه از امید به قلب انسان های دور از دموکراسی و در بند استبداد تابانید. اعلامیه جهانی حقوق بشر علی التحقیق برگ زرینی در تاریخ جامعه بشری است و سند افتخاری است برای انسان هائی که در نیمه قرن بیستم آن را تهیه و تصویب کردند. درینجا که در شصت و دومین سالروز تصویب شدن اعلامیه جهانی حقوق بشر، ملت ایران با نقض فاحش حقوق بشر روبروست. اکنون در روز هائی که قدرت های بزرگ جهان مذاکراتی را پیرامون انرژی هسته ای با دولت جمهوری اسلامی آغاز نموده اند از نظر ملت ایران بسیار بجاست که مسئله رعایت حقوق بشر از طرف دولت مردان جمهوری اسلامی نیز در مذاکرات جائی داشته باشد. اگر قدرت های جهانی همچون حاکمیت جمهوری اسلامی مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر را به دست فراموشی سپرده اند ما فراز هائی از این سند پرافتخار تمدن جامعه انسانی را به آنها یاد آور میشویم:

تمام افراد آدمی آزاد به دنیا میآیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند. هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

احدی را نمیتوان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرارداد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شعور بشری و یا موهن باشد.

هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا بعنوان یک انسان در برابر قانون شناخته شود.

همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند که بدون تبعیض و باسویه از حمایت قانون برخوردار شوند.

در برابر اعمالی که حقوق انسانی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق بوسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع موثر به محاکم صالحه را دارد.

## حقوق تاریخی و سهم پنجاه در صدی ایران در دریای مازندران

دریائی (مطابق ماده ۱۲ بند ۴ عهدنامه ۱۹۴۰) بقیه دریا سهم مشترک و مساوی دو دولت است و بر پایه عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ نیمی از دریای کاسپین متعلق به ایران است. دریا به طور مطلق (بستر و زیربستر و منابع و ذخایر آن) و کلیه شبهات و شایعات مبنی بر اینکه عبارت ۵۰ درصد (نیمی از دریا) در عهدنامه ها نیامده و یا آنکه به غلط بعضی مدعی شده اند که دریا مرکز و محور مرکزی ندارد (با روشهای علمی برای محققان این مرکز موجود و شناخته شده است) به هیچ وجه قابل قبول نیست و طول خط ساحلی یا فاصله دو نقطه ساحلی تعیین کننده سهم ایران نیست و روابط خوب یا همسایگان خود به معنی احترام به این معاهدات باید باشد. به لحاظ «اصطلاحات» و «تفسیر» متن عهدنامه ها خود کارگشاست و در فصل ۲۵ عهدنامه ۱۹۲۱ و ماده ۱۶ عهدنامه ۱۹۴۰ هر دو نسخه فارسی و روسی آنها مساوی و رسمی و معتبر اعلام شده است. از سوی دیگر وسعت فوق العاده دریای کاسپین (حد پایین ۳۷۰ هزار متر مربع و حد بالا ۴۲۴ هزار متر مربع) نشان دهنده آنست که بر سر سهم ایران با سهل انگاری و بی دقتی عمل کردن بسیار خطرناک است و به هیچ رو نمی توانیم از حقوق مساوی و بالسویه ایران صرف نظر کنیم. اقتضای محیط زیست دریایی و بسته بودن آن، محدودیت و مخاطرات فاجعه آمیز امروزی، ارتباط آنها با منابع ساحلی و حیات ساحل نشینان و ذخایر آبزیان منحصر به فرد، نفت و گاز و لوله گذاریها و چاههای متعدد غیر فنی و نیمه تمام رها شده و تداخل امور، مدیریت مشترک ساحل نشینان را میطلبد. با این حال طرف ایران بدون تجهیزات مناسب و بی توجه به امکانات و طرح های اقتصادی، اسناد و معاهدات و مقاوله نامه های گذشته از دوره حکومت تزارها (۱۵۴۰) تا پایان اتحادشوری را به عنوان مالک و صاحب نیمی از دریا تنظیم نکرده (به قرار اطلاع بعضی صاحبان روحیه منفی حتی خلاف آن نیز عمل کرده اند) و به عنوان مالک و صاحب حقوق مشترک مساوی با «مجموعه طرف دوم» عهدنامه ها ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ (ملغی کننده عهد نامه های ننگین گلستان و ترکمانچای) حرف نزده است و عمل نکرده است و حرف نمی زنی و عمل نمی کنیم در صورتیکه مطابق مقررات دیوان دادگستری لاهه سهم ایران بسیار فرا تر از آنست که دیگران تلقی میکنند و ماده ۳۸ دادگاه حقوق بین المللی به این گونه معاهدات حق اولویت داده است و در قانون اساسی موجود نیز می خوانیم که:

اصل ۷۸- هر گونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط اینکه یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزنند و به تصویب چهار پنجم نمایندگان مجلس شورایی اسلامی برسد.

اصل ۱۵۲- سیاست خارجی جمهوری ایران بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور ... استوار است.

اصل ۱۵۳- هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ و ... گردد ممنوع است.

اصل ۹- در جمهوری اسلامی ایران آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد و یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

با توجه به تمامی مطالب فوق الذکر ملت ایران به هیچ عنوان از دولت جمهوری اسلامی نمی پذیرد که چه به علت انزوای سیاسی که بدان دچار است و چه به تصور باج دادن به روس ها برای جلب حمایت آنها در مجامع جهانی از حق قطعی و مسلم ایران در دریای مازندران که پنجاه درصد از آن دریاست کوتاه بیاید.

وضعیت حقوقی دریای کاسپین (مازندران) بر اساس عهدنامه های «مودت» در سال ۱۹۲۱ و «بازرگانی و بحریمائی» در سال ۱۹۴۰ منعقد شده است و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تنظیم شده است عهدنامه سال ۱۹۲۱ تاوان دو عهد نامه ننگین «گلستان» در اکتبر ۱۸۱۳ و «ترکمان چای» در سال ۱۸۲۸ است و اصول ۵ و ۶ آن مربوط به مسئله امکان تهدید رژیم شوروی توسط روسهای سفید هم در رژیم گذشته ایران و هم در جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۱۹ با تصویب «شورای انقلاب» و در مرداد ۱۳۵۹ با نامه به وزیر خارجه وقت به دبیر کل سازمان ملل متحد به دلایل تغییر اوضاع و احوال و مغایرت با اصول حقوق بین الملل بلا موضوع و کان لم یکن اعلام شده است. و بدین نحو قرارداد ۱۹۲۱ مورد تایید و تصویب شورای انقلاب در بدو تاسیس جمهوری اسلامی نیز قرار گرفته است. در فصل اول آن می خوانیم که: «دولت شوروی روسیه مطابق بیانیتهای خود راجع به مبانی سیاست روسیه نسبت به ملت ایران مندرج در مراسلات ... یک مرتبه دیگر رسماً اعلام میدارد که از سیاست جابرانه دولت های مستعمراتی روسیه که به اراده کارگران و دهاقین این مملکت سرنگون شدند نسبت به ایران قطعاً صرف نظر می نماید. نظر به آنچه گفته شد و با اشتیاق به اینکه ملت ایران مستقل و سعادت مند شده و بتواند آزادانه در درائی خود تصرف لازمه را بنماید دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادهائی را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع می نمود ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلام می نماید.» بنا بر این دیده میشود که عهد نامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ برای حقوق تاریخی ایرانیان دارای اهمیت بسیار حیاتی و بالایی است. همچنین مهم است که این دو عهدنامه بین «دو دولت معظمین متعاهدین» اتحاد شوروی و ایران منعقد شده است. در فصل اول و دوم و چهارم و یازدهم عهدنامه مودت سال ۱۹۲۱ و در مواد دهم و سیزدهم عهدنامه بحر پیمائی و بازرگانی سال ۱۹۴۰ که موید عهدنامه ۱۹۲۱ است، کلیه معاهدات از جمله عهدنامه های گلستان و ترکمانچای ملغی اعلام شده است و در فصل سوم و یازدهم عهدنامه ۱۹۲۱ «حقوق مساوی» طرفین شناخته و اعلام شده است و در مواد ۱۰ و ۱۳ عهدنامه ۱۹۴۰ مجدداً تایید شده و در ضمیمه عهد نامه اخیر نام ایران مقدم بر نام شوروی از طرف روسیه به ایران پیشنهاد و مورد موافقت قرار گرفته که دریای کاسپین دریای «ایران و شوروی» نامیده شود.

دریغا که در زمان انعقاد عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ رژیم بی کفایت و وابسته به بیگانه سابق از آن فرصت های طلایی برای لغو صریح قرار دادهای ننگین گلستان و ترکمانچای و حفظ منافع ملی ایران استفاده نکرد، همچنانکه رژیم جمهوری اسلامی نیز هنگام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با وجود تمایلی که در آن هنگام مردم سرزمین های ایرانی برای الحاق به ایران از خود نشان میدادند نتوانست از یک فرصت طلایی و تاریخی دیگر بهره بگیرد.

باری در مورد دریای مازندران در نظام حقوقی مبارزه با آلودگی دریا، به شرح معاهدات منعقد در سالهای ۱۳۵۱، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۹ دولتین ایران و شوروی سابق مسئولیت های مساوی را تعهد کرده اند. و در معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ لفظ مطلق دریا به معنی همه دریا و منابع و ذخایر بستر و زیر بستر آن به کار برده شده است و عبارت حقوق مساوی در این دریای مشترک به وضوح همه موارد را دربر میگیرد. در کنوانسیون حقوق دریاهای (۱۹۸۲) نیز به رغم مباحث و توجهات جدید رژیم های منعقد مورد توافق دول ساحلی به رسمیت شناخته شده و بدین ترتیب معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ از این وجه هم معتبر و مستقر است. همچنین بنا بر کنوانسیون اصول جاننشینی در سال ۱۹۹۱ جمهوری های تازه استقلال یافته، پانزده جمهوری از جمله جمهوری های آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و فدراسیون روسیه مطابق دو «اقرار نامه» مینسک و آلماتی به محترم شمردن و لازم الاتباع و لازم الاجراء بودن کلیه معاهدات شوروی سابق از جمله عهدنامه مودت ۱۹۲۱ و عهدنامه بازرگانی و بحریمائی ۱۹۴۰ با ایران، متعهد شده اند. بنا بر این باتوجه به برخورداری دو دولت از ده مایل سهم اختصاصی برای آبزیان



## جمهوری اسلامی هر روز منزوی تر میشود

در چند هفته پیش کمیته حقوق اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد معروف به کمیته سوم با ۸۰ رای موافق، ۴۸ رای مخالف و ۵۷ رای ممتنع وضعیت حقوق بشر در ایران را غیر قابل تحمل اعلام کرد و هر چند هیئت اعزامی دولت ایران کوشش کرد به جهانیان بگوید ما تابع حقوق اجتماعی و فرهنگی ویژه خود هستیم اکثر نمایندگان کشورها آنرا نپذیرفتند و رای به انزوای دولت ایران دادند.

مورد دیگر در هفته پیش تلاش دولت ایران برای کسب یک کرسی در هیئت اجرایی سازمان زنان سازمان ملل شکست خورد و به کشور کوچک تیمور شرقی با ۸ سال تاریخ (در سال ۲۰۰۲ مستقل شده است) کرسی مذکور را دادند و ایران رای کافی بدست نیاورد. علت رای نیاوردن عدم رعایت و ارجح به حقوق بشر و قوانین بین المللی گفته شد و مورد دیگری سازمان فرهنگی یونسکو وابسته به سازمان ملل متحد بعلت عدم رعایت حقوق بشر در ایران از برگزاری روز جهانی فلسفه در ایران خودداری کرد.

گفته شد که در ایران از دبستان تا مراکز آموزش عالی راه اندیشه و تفکر آزاد بسته است و نمی توان درباره مفروضات و مقبولات، مشهورات و مسلمات سؤال هایی طرح کرد و پیگیری نمود و در حکومت های ایدئولوژیک متفکران می توانند بیاندهشند و حق بیان آن را ندارند. برگزاری روز فلسفه از سوی مراجع جهانی اعتباری برای دولت ایران بود که بعلت عدم رعایت حقوق بشر لغو شد.

و بسیار از موارد دیگر که ماجرای توقیف کشتی حامل سلاحهای جنگی در نیجریه نیز یکی از آنهاست و قطع رابطه کشور کوچک آفریقایی گامبیا که یک طرفه با ایران قطع رابطه می کند این بار نه برای حقوق بشر بلکه برای رهایی از اتهامی که ممکن بود در جریان حمل و نقل سلاحهای نظامی که خلاف تصمیم شورای امنیت است فشاری بر این کشور وارد گردد.

ملاحظه میشود که عدم آزادیهای سیاسی و اجتماعی به نارضایتی های داخلی دامن زده و این نارضایتی ها از این کشور چهره ای نامطلوب در جهان عرضه داشته است. موضعگیری های بدور از خرد جمعی و بدور از روابط احترام آمیز بین کشورها دولت ایران را هر روز منزوی تر می کند.

سیاست داخلی و سیاست خارجی تفکیک ناپذیرند و به کژ راه رفتن در یکی انحراف و عدم موفقیت در دیگری را بدنبال دارد. سالهاست که پس از جنگهای اول و دوم جهانی دولت ها تلاش کرده اند تا در روابط بین الملل مقرراتی را مرعی دارند که در آن احترام متقابل و رعایت حقوق ملتها ملحوظ شده باشد و اعلامیه جهانی حقوق بشر با کلیتی که دارد یکی از ملاکهای تنظیم روابط بین الملل است. دولت ایران بدون رعایت ابتدائی ترین حقوق انسانی مردم ایران چون حق آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات و دیگر آزادیهای جهان شمول به قوانین بین المللی نیز اعتنایی نمیکند و مصوبات سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان ملل را ورق پاره هایی بشمار می آورد که چون با شریعت مورد نظر حاکمیت مطابقت ندارد و هماهنگ نیست باید نادیده گرفته شود. ولی گاه کاندیدای عضویت کمیته ها و مجامعی میشود که اصول و هدفهایشان را نپذیرفته و تا کنون اجرا نکرده است. نمونه آنرا می توان در کمیته های حقوق بشر سازمان ملل و یا تلاش برای کسب یک کرسی در هیئت اجرایی سازمان زنان سازمان ملل متحد مشاهده نمود.

صاحبان قدرت در این تصورند که با گفتن سخنانی که فقط مصرف داخلی دارد مانند اینکه ایرانیان نخستین اقوامی بودند که به آزادی زنان و برابریشان با مردها ارج مینهادند و ایران از صدها سال پیش حقوق بشر را رعایت می کرده و نکاتی نظیر آن میتوانند در مجامع بین المللی راه یافته و به جهان بقبولانند که در هیچ جایی آزادی مانند ایران پیدا نمیشود! و ایران امروز مهد آزادی و آزاد اندیشی است و گاه اینقدر این گفته ها تکرار میشود که بر خودشان امر مشتبه میشود. اما وقتی سخن از نپذیرفتن ایران به سازمان های جهانی است، انزوای سی و دو ساله ایران خود مینماید و بیش از پیش هویدا میشود.

درست است که به نظر فردریک هگل فیلسوف شهیر آلمانی «اساس توسعه جوامع انسانی با تاریخ ایران آغاز میشود و این نقطه سرآغاز تاریخ جهان است» درست است که لوح های بدست آمده از تخت جمشید نشان میدهد کارگران برده نبوده اند، اما هیچکدام از این افتخارات کهن شرایط امروز ایران را توجیه نمیکند و بر انبوه زندانیان سیاسی عقیدتی ایران که با نقض حقوق بشر روانه زندان شده اند سرپوش نمیگذارد و نمونه آن را می توان در آراء صادره از سوی سازمانهای جهانی دید:

## افتخار آمیزترین مدال ورزشکاران ایران دفاع از نام خلیج فارس و تمامیت ارضی ایران بود

موازین و مستندات رسمی تاریخی و بین المللی نام زیبا و صحیح «خلیج فارس» را در اعلان خودشان به صورت مجعول و ناشناخته و غلط به کار برده بودند، ورزشکاران زن و مرد ایرانی قاطعانه خواستار اصلاح آن شدند و اعلام کردند که در غیر این صورت در مسابقات شرکت نمی کنند و وقتی وارد مسابقات شدند که مسئولین چینی تادیب شده و با بکار بردن «خلیج فارس» خطای خود را برطرف کردند و این افتخار آمیزترین مدال جوانان ایران در کوانگ جوی چین بود. ورزشکاران ایرانی با این حرکت خود درسی هم به رئیس جمهور کشورشان دادند که دیگر زیر تابلو «خلیج عربی» ننشینند. ضمناً باید یادآوری نمود که گویا گردانندگان سایت نیروی دریائی آمریکا هم از درک این واقعیت زنده و ملموس عاجز بوده و با ساختن نام مجعول برای خلیج فارس به کج راه چینی ها افتاده اند گرچه بعداً شنیده شد که آنها هم به اشتباه خود پی برده و فهمیده اند که «خلیج فارس» فقط «خلیج فارس» است.

به رغم ناهماهنگی ها و بی برنامگی های مشهود، تیم های متعدد ورزشکاران ایران با آمادگی و روحیه ای سرشار از سلحشوری مردمی و عرق ملی و هوشیاری نسبت به تمامیت ارضی و منافع ملی ایران در بازیها و مسابقات آسیائی شرکت کردند. حضور آنها در این دوره از مسابقات آسیائی که در «کوانگ جو» در کشور چین برگزار می شد بسیار جدی و توئم باسرافرازی و موفقیت بود. رقابت سخت و فشرده فرزندان ایران زمین در میان چینی ها و نمایندگان پرجمعیت ترین کشور های جهان که ورزشکاران پرتوانشان برای کسب بالاترین مدالها فراوان بود، اعجاب و تحسین همگان را برانگیخته است. به ویژه آنکه قهرمانان ما توانستند ۲۰ مدال طلا و در مجموع ۶۰ مدال در کشتی، کاراته، کنگفو، و شو، قایقرانی، دو، تیراندازی، والیبال و بسکتبال و..... کسب کنند. اما درخشش زنان شجاع و مردان دلیر ایرانی در شروع مسابقات آسیائی به مراتب افتخار آفرین تر از تعداد مدالهای آنها بود. در وضعیتی که چینی های تنگ نظر و خاطی از



## علل اعتصابات بازار و اعتراض به مالیات ها

توقیف ومصادره میشود و نخست وزیر ترکیه در پارلمان آن کشور خدا را شکر گزار میگردد که چنین گنج باد آورده ای را در این اوضاع نابسامان اقتصادی نصیب کشور ترکیه کرده است و ملت ایران نمیداند که این گنج عظیم که متعلق به اوست چرا و چگونه از کشور خارج شده و هیچکس هم خود را موظف نمیداند که راجع به این رویداد شگفت انگیز توضیحی به او بدهد، و وقتی با انتشار اسناد محرمانه دولت آمریکا توسط سایت ویکی لیکس معلوم میشود که از طرف دولت جمهوری اسلامی میلیونها دلار نقد آنها بصورت کیسه ای به دفتر رئیس جمهور افغانستان پرداخت میشده وبابت هر کیسه آن چندین میلیون دلار به حساب ملت محروم ایران گذاشته میشده در حالیکه بنا به اعتراف آقای حامد کرزای رئیس جمهور افغانستان این کیسه ها در هر نوبت فقط حاوی دو میلیون دلار بوده است، و وقتی مردم آگاه میشوند که کمک های مالی با ارقام نجومی از ثروت آنها به حماس و حزب الله لبنان ودولت سوریه و دیگران داده میشود در حالیکه میلیونها نفر جوان لایق ایرانی از بیکاری و فقر در رنج وعذابند، و وقتی مردم مطلع میشوند از پول ملت ایران در کشورهای آمریکای لاتین مانند ونزوئلا و برزیل وجاهای دیگر سرمایه گذاری های کلان برای ساخت پالایشگاه و کارخانه اتوموبیل سازی و ایجاد مجتمع های مسکونی وغیره صورت میگیرد در حالیکه نیاز به اینگونه سرمایه گذارها در ایران بیش از هر کجای دیگر دنیا ضرورت دارد چگونه میتوانند با رغبت و رضایت از بودجه خود وخانواده خود حذف نموده و به خزانه دولتی که این ریخت و پاش های ناموجه را انجام میدهد مالیات بپردازند وهمچنین مالیاتهای نوع جدیدی را بپذیرا باشند؟ این عدم تایید مردم نسبت به هزینه های غیر قابل قبول وعدم اعتماد به قدرتمداران سبب اعتراضات آنهاست. اعتراضاتی که متاسفانه گاهی به خشونت وحتی خونریزی کشیده میشود. همانگونه که در ماه های گذشته در یکی از این اعتراضات ما شاهد قتل یکی از شخصیت های اصناف بازار تهران بودیم.

تحریم قرار گرفت واز نظر اقتصادی در مضیقه افتاد، وضعیت اقتصادی را بصورت شفاف با مردم در میان گذاشت واز ملت استمداد طلبید وبسا تهیه و فروش اوراق قرضه ملی از مردم خواست که به کمک دولت بیایند و همه میدانند که چه جنبش عظیمی برای کمک به دولت ملی به راه افتاد تا آنجا که حتی در دور افتاده ترین روستاها، پیرزنانی که ذخیره مالی آنها تنها یکصد ریال بود با خریدن یک برگ قرضه ملی به کمک دولت آمدند و کودکان دبستانی قلک های خودرا شکستند تا بتوانند با سکه های ذخیره کرده در آنها یک برگ قرضه ملی ده تومانی بخرند وهمین بازاریان و اصنافی که امروز به مالیات ها معترضند چگونه باهمه توان خود با خریدن اوراق قرضه ملی به یاری دولت مصدق شتافتند.

ولی امروز چنان شرایطی در ایران محقق نیست. وقتی مردم میشوند که یک تریلی حاوی ۱۸/۵ میلیارد دلار بصورت وجه نقد و شمش طلا متعلق به ایران در خاک ترکیه

همه ملل جهان، نه امروز که در هر زمان ودر طول تاریخ برای چرخش امور جامعه ای که در آن زندگی میکنند و برای عمران و آبادی و تقویت قوای دفاعی کشورشان و ارتقاء سطح زندگی هموطنانشان به نوعی مالیات پرداخته و میپردازند. اصولا کشورها باید با مشارکت مردم و با پرداخت مالیات اداره شوند نه با فروش منابع زیر زمینی وثروت های طبیعی که روزی به پایان خواهند رسید. ملت ایران نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده ونیست. ولی مسئله اینست که شهروندان باید از نحوه اداره جامعه خود و عملکرد حاکمیت و نوع هزینه هائی که حکومت برای رفاه وتعالی آنها میپردازد اطلاع و آگاهی داشته و نسبت به آنها موافقت داشته باشند تا با میل ورغبت نسبت به پرداخت مالیات و عوارض اقدام کنند و حتی افزایش قیمت هارا تحمل وتقبل نمایند. همه میدانند که نزدیک به شصت سال قبل وقتی دولت ملی دکتر مصدق در جریان نهضت ملی شدن نفت و مبارزه با استعمار انگلیس، از نظر فروش نفت مورد

این قصیده در سال ۱۳۴۷ بمناسبت بیستمین سال صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط شاعر ملی ایران استاد ادیب برومند سروده شده و در برخی از روزنامه ها و مجلات منتشر شده است.

### حقوق بشر

که نماینده اعلام حقوق بشر است که به اعلام حقوق بشری مفتخر است وز چه حقیقت مزیت به دگر جانور است عدل را قاعده بر پایه آن مستقر است کز حقوق بشری خردوکلان بهره وراست که خوداورابه سوی فرو شرف راهبراست که از او گلشن هستی همه پر برگ و بر است از حقوق بشری دان که بسی معتبر است بهر انسان که به اوصاف نکو مشتهر است از حقوقی است که شمشیر ستم راسپر است که گرانش نبود، از همه جا بی خبر است باشدارزانی آن کس که وراسیم وراست که به دیوان عدالت همه گه جلوه گراست که اگر این نیست مقریرشرا ندر خطر است کاین سیه گون روشی از پس عهد حجراست کامتیازات نژادی همه بی پا وپر است بس گر انقدر وگرامی چو حقوق دگراست از ره خود سری و زور که نامغتفر است که بسی محترم اندر سفرو در حضر است تا نه محکوم بود تهمت او بی اثر است بهر تحصیل فنون در پی کسب هنراست که بدان خاطرش آسوده زبیم خطراست وان مع الواسطه یاخوده خود اندر شمار است که وکیل ار نه زخلق است، زهر بد بتر است که سزاوار ستایش بر اهل نظر است سعی انسان زپی صلح وسلامت هدر است تا به آفاق ادیبیا سخن از خیر و شر است

سازمان ملل امروز بسی مفتخر است این چنین مجمع فرمندبودسالی بیست کردوشن که بشر را چه بودنص حقوق کرد تدوین اصولی که به دیوان قضا قدر والای بشر گردد از آن روز پدید باشد از جمله حقوق بشر آزادی فرد در جهان موهبتی بهتر از آزادی نیست بعد از آن حق تساوی به بر قانون را شدمساوات مقرربه تکالیف وحقوق حق آزادی از صدمت و آزار وعذاب حق آزادی گفتار بود زان بشر حق ملکیت ودارندگی مال و منال هست از آن جمله یکی هم بجهان حق دفاع حق آزادی مذهب بوداز جمله حقوق بردگی درخور حیثیت انسانی نیست رنگ سیما نبود برتری افزای کسان حق راحت طلبی از پس یک سلسله کار هیچکس رانتوان داشت به تبعیدوبه بند آدمی راز بی کوچ واقامت حقی است متهم را نتوان همچو بزهارک شمرد هر کسی را بوداین حق که به آزادی تام هر کسی راست زامنیت جمعی حقی هست درباب سیاست همه راحق ورود انتخابات دهد حق دخالت به عموم این زاعلام «حقوق بشری» مختصری است گر نباشد به جهان محترم این جمله حقوق در امان باد حقوق بشر از شر و فساد

سپهر ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

www.jebhemelliiran.org

E-mail: hejmi85@yahoo.com